

نقش علم آموزی بر اقتدار اقتصادی از منظر نهج البلاغه

محدثه رعدآبادی

چکیده

مسئله اقتصاد از چنان اهمیتی برخوردار است که در نهج البلاغه از آن به عنوان یک امر اساسی و مهم یاد شده است که به وسیله علم و دانش که یکی از عوامل مهم برای رسیدن به اقتدار است که در نهج البلاغه به این امر مهم اشاره کرده است. پیرامون نقش علم آموزی بر روی اقتدار اقتصادی تا کنون پژوهشی در دسترس نیست؛ هدف از نوشتن این مقاله بررسی اهمیت نقش علم آموزی بر روی اقتدار اقتصادی در نهج البلاغه برای پیشرفت اقتصاد در جامعه است. علم در نهج البلاغه این چنین توصیف شده است که علم ادراک و رسیدن به حقیقت چیزی است؛ امام علی (ع) آن را میراثی مهم و ارزشمند و بهترین سرمایه برای بشریت معرفی می کند، که هدف آن رساندن انسان با کمک گیری از عقل و دانش و فطرت و عمل در صدد شکوفایی و اقتدار اقتصاد زمینه را مهیا سازد و باعث پیشرفت آن شود و در اداره مصالح امور فردی و اجتماعی با بهره گیری از علم و دانش درست و مشروع باعث رشد و اقتدار شود؛ که حکومت و اقتصاد علوی یکی از جامع و اساسی ترین و ماندگار ترین در نظام سیاسی اسلام بعد از حکومت پیامبر است که بهترین الگو و سرمشق قرار می گیرد؛ که امروزه می توان با بهره گیری از برخی تاکتیک های استفاده شده در آن به اقتدار اقتصاد در جامعه امروزی کمک کرد و باعث پیشرفت آن شد. در نهج البلاغه علم آموزی در اقتدار اقتصاد از بعد فردی اجتماعی و سیاسی بررسی شده است. در کلام امام علی (ع) خدامحور بودن امور انسان با استفاده از تلاش و تفکر، عبودیت و ایمان و مهارت داشتن در عمل کردن به آن میتواند با اندیشه های لازم به اقتدار اقتصاد کمک کند و آن را در صدد پیشرفت هدایت کند. تحقیق پیش رو به روش توصیفی-تحلیلی به بحث اقتدار اقتصاد بر اساس شیوه علوی پرداخته است.

کلید واژه ها: علم، علم آموزی ، اقتدار، اقتصاد، نهج البلاغه

مقدمه

علم و دانش یکی از مهمترین مسائلی هست که در هر جامعه ای از اولویت خاصی برخوردار است چرا که یکی از نیاز های مهم جامعه است که سبب پیشرفت جامعه میشود. آنچنان از اهمیت والایی برخوردار است که در قرآن کریم و در دین اسلام هم به آن اشاره شده است به عنوان مثال اولین آیاتی که بر قلب پیامبر اسلام نازل شد سوره مبارکه علق بود که با تعلیم و تعلم آغاز گردید: «اقرا و ربک الاکرم (۳) الذی علم بالقلم (۴) علم الانسان مالم یعلم (۵)» (العلق، ۳-۵) بخوان در حالی که پروردگارت کریم ترین است . همان که به وسیله قلم آموخت. و به انسان آنچه را نمیدانست تعلیم داد.) از این جهت فراگیری علم و دانش بر انسان واجب شده است چرا که بالا بردن سطح علم و آگاهی باعث میشود انسان در مسیر پیشرفت قرار بگیرد

دین اسلام برای فراگیری علم و دانش هیچ محدودیت زمانی یا مکانی قرار نداده است بلکه حتی انسان را تشویق می کند که تا جایی که امکان دارد به دنبال یادگیری علم باشد تا بتواند با استفاده از آن به پیشرفت جامعه کمک کند و اقتصاد را تقویت کند و با ایجاد اقتصاد درست به آرامش و رفاه مردم کمک کند، دین اسلام میفرماید: «اطلبوا العلم و لو بالصین» به دنبال دانش باشید حتی اگر به سفر چین بروید. (روضة الواعظین و بصیره المتعظین) (ط - القدیمه، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۱۲)

پس طبق چیزی که بیان شد فراگیری علم و دانش پارای ارزش فراوانی است پس باید هر انسانی که باید هر انسان برای پیشرفت خود و خانواده و جامعه و اقتصاد آن تلاش کند و طبق آن چیزی که از مکتب اسلام یاد گرفته است آن را ابلاغ کند یکی از مکتبی که به پیشرفت اسلام و اقتصاد جامعه کمک میکند مکتب نهج البلاغه است که باتوجه به سخنان ارزشمند امام علی علیه السلام میتوان به ارزش علم آموزی و پیشرفت اقتصادی دست پیدا کنیم.

انسان موجودی اجتماعی است که برای زندگی کردن در جامعه احتیاج دارد به علم آموزی تا بتواند با استفاده از آن به پیشرفت جامعه اقتصادی و رفاه آن کمک کند پس با توجه به این موضوع انسان بهتر است که از طریق معنوی وارد شود طبق این مسائلی که بیان شد حکومت علوی یکی از بهترین الگو است چرا که سخنان امام علی علیه السلام یکی از کاملترین و بهترین است ما در این پژوهش سعی داریم که به بررسی علم مورد تایید امام علی علیه السلام هست و روش درست حکومت داری و اقتصاد بپردازیم .

دین اسلام یکی از بهترین و کاملترین روش ها را در هر زمینه ای بیان می کند که باعث پیشرفت جامعه میشود و دارای اهمیت و ضرورت بسیاری است چرا که به آسایش و آرامش جامعه کمک می کند و حکومت

علوی هم یکی از بزرگترین و کاملترین است پس قطعاً یادگیری علم و روش درست اقتصاد با الگو برداری از حکومت علوی باعث دیشرفت و قدرتمندی جامعه اسلامی می شود .

مفاهیم

علم، به معنای دانستن، دانش ، اظهار و روشن کردن، دلیل و حجت(قاموس قرآن، ۱۳۷۱ش، ج۵، ص۳۳) ادراک از حقیقت چیزی، که بر دو گونه است: ادراک ذات شی و حکم کردن بر وجود چیزی با وجود چیزی دیگر که برایش ثابت و موجود است یا نفی چیزی که از او دور و منفی است. (مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲ه.ق، ج۱، ص ۵۸۰)

اقتدار، مصدر باب افتعال و از ریشه «قدر» به معنی به دست آوردن قدرت است.(مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲ق، ۶۵۸)

اقتصاد، در لغت عرب به معنای میانه روی و اعتدال است (ابن منظور، لسان العرب ج۳، ص۳۵۴) چنانچه در قرآن کریم آمده است : این کتاب را به گروهی از برگزیدگان میراث دادیم، از میا آنها عده ای بر خود ستم کردند و عده ای میانه رو بودند . (سوره فاطر، آیه ۳۲) کلمه اقتصاد از ریشه قصد به معنی درستی راه است.

—علم و دانش از منظر نهج البلاغه

امام علی علیه السلام در رابطه با علم آموزی موارد متعددی را مطرح کرده اند که ما آنها را با دسته بندی کردن به موردی از آنها اشاره میکنیم و به آنها میپردازیم. ما در اینجا اهداف را دسته بندی کرده ایم و آنها را به چهار گروه تقسیم بندی کرده ایم که آنها را مطرح میکنیم:

۱—ماهیت علم

از منظر امام علی علیه السلام هر ظرفی هر آنچه در او گذاشته می شود تنگ می شود جز ظرف علم که هر آنچه به آن اضافه شود گسترده تر میشود: « کل وعاء یضیق بما جعل فیه، الا وعاء العلم، فانه یتسع به» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، حکمت ۲۰۵) امام برای اینکه ارزش علم را برای انسان مشخص کند آن را به ظرفی تشبیه میکند که آن در ذهن مخاطب جای بگیرد، امام علی علیه السلام طالب علم واقعی را مانند گرسنه ای تشبیه

کرده اند که همواره به دنبال یادگیری علم می باشد: «منهومان لا یشبعان: طالب علم و طالب دنیا.» دو گرسنه اند که سیر نمی شوند یکی طالب علم و یکی طالب دنیا. (همان، حکمت ۴۵۷) امام در جای دیگر به ماندگاری و نقش بستن علم در ذهن اشاره میکند: «العلم ورايه الكريمه» (همان، حکمت ۵) علم میراثی ارجمند است همان طور که خداوند متعال علم را بهترین و مهمترین سرمایه برا بشریت معرفی میکند: «من یوتی الحکمه فقد اوتی خیرا کثیرا» هر که را که به دانش و حکمت رسانند او را مورد عنایت قرار داده اند (سوره بقره، آیه ۲۶۹) امام در جای دیگری بالاترین شرافت را علم معرفی میکنند: «لا شرف کالعلم» (همان، حکمت ۱۱۳) و نقطه مقابل آن را نادانی میدانند: «الناس اعدا ما جهلوا» مردم دشمن آن چیزی هستند که نمی دانند (همان، حکمت ۱۷۲) و آمده است عالمی که جهلش او را کشت و با اینکه علمش با او بود سودی به حالش تداشت: «رب عالم قد جهل قتله و علمه معه لا ینفعه» (همان، حکمت ۱۰۷) و حتی هیچ فقری را مانند نادانی نمیداند زیرا انسان با دست خالی لز علم و دانش وجودش هم خالی و فقیر است: «لا غنی کالعقل، ولا فقر کالجهل» هیچ ثروتی چون عقل نیست و هیچ فقری مثل نادانسی نیست. (همان، حکمت ۵۵) امام علی علیه السلام دانش علم را فریضتی با ارزش میدانند که بسیار مهم و حیاتی است پس باید جوری تلاش کند که رضایت خداوند را در پیش داشته باشد که خداوند او را کوچک نکند چرا که اگر خداوند انسان را به خاطر کارهایش کوچک کند خودش را از فضیلت علم محروم ساخته است. (همان، حکمت ۲۸۸)

۲- طبقات علم

امام علی علیه السلام علم و دانش را به سه صورت طبقه بندی کرده است، بالاترین، پایین ترین و حد میان این دو است که ابتدا بالاترین علم را مشخص میکند که علمی است که در اعضای بدن انسان آشکار شود: «و ارفعه ما ظهر فی الجوارح و الارکان» (همان، حکمت ۹۲) و پست ترین علم علمی است که تنها بر سر زبان جاری باشد: «وضع العلم ما وقفه علی اللسان» و آمده است که در دانش ناسودمند خیری نیست و یادگیری دانشی که سودی نباشد بی فایده خواهد بود: «اعلم انه لا خیر فی علم لا ینفع، ولا ینتفع بعلم لا یحق تعلمه» (همان، نامه ۳۱) حد میان بالاترین و پایین ترین علم زمانی است که نسبت به چیزی آگاهی و علمی نداری پس باید سکوت اختیار کنی چرا که علمی نسبت به آن نداری: «دع القول فیما لا تعرف، والخطاب فیما لم تکلف» در مورد آنچه که نمیدانی و در مورد آن مسیول نیستی سکوت اختیار کن و هیچ مگو (همان، نامه ۳۱) و در جای دیگری هم میفرمایند: «لا تقل ما لا تعلم، وان قل ما تعلم» یعنی آنچه را که نمیدانی نگر هر چند اندکی از آن راهم بدانی. (همان، نامه ۳۱)

۳- فایده علم

علم در زندگی انسان دارای ارزش بسیاری است که میتواند اثر زیادی در زندگی فردی به همراه داشته باشد از آنجا که امام علی علیه السلام خطاب به کمیل ابن زیاد میفرماید که یکی از آنها کسب طاعت و بندگی خداوند متعال می باشد: «یا کمیل معرفه العلم دین یدان به، به یکسب الانسان الطاعه فی حیاته، و جمیل احدوئه بعد وفاته» ای کمیل! آشنایی با علم دینی است که به واسطه آن است که به انسان جزا داده میشود به وسیله علم و دانش است که در دوران حیاتش طاعت و بندگی خداوند را بدست می آورد و بعد از مرگش خیر و سعادت را بدست می آورد. (همان، حکمت ۱۴۷)

۴- اقسام علم

طبق سخن گهربار امام علی علیه السلام علم و دانش را به دو بخش تقسیم کرده اند یکی دانش فطری که در نهاد انسان وجود دارد و یکی هم دانش شنیدنی، چرا که دانش شنیدنی اگر همراه دانش فطری نباشد اثری نخواهد داشت: «العلم علمان: مطبوع و مسموع، ولا ینفع المسموع اذا لم یکن المطبوع» (همان، حکمت ۳۳۸) منظور امام از بیان این جمله این است که دانشی باید باشد که با دستور خداوند یکی باشد دانشی باشد فطری که بر خلاف دستور خداوند نباشد یعنی علمی که همراه با سرعت اسلام همراه اسنت و علمی که منجر به سعادت می شود و انسیان را در مسیر حق می کشاند و او را هدایت میکند چرا در رابطه با ارزش و اهمیت علم مطالبی را بیان کردیم. در سخنانی دیگر هم علم به عملی و نظری و عقلی و سمعی تقسیم می شود، علم نظری علمی است وقتی که در رابطه با آن دانسته شود با فراگیری بیشتر آن علم بیشتر و کامل تری بدست می آید مثل علم به موجودات عالم. علم عملی هم علمی است که تمام نمیشود مگر با عمل کردن به آن علم مثل انجام عبادات. علم عقلی هم علمی است که با عقل دانسته میشود و به آن پی میبریم. علم سمعی هم علمی است که از شنیده ها بدست می آید. (المفردات، ۱۴۱۲ه.ق، ج ۱۷، ص ۵۸۰)

— جایگاه علم و دانش در نهج البلاغه

علم و دانتش مجموعه ای از احکام و عقاید و اخلاق و ... است تمام این جوامع را در بر میگیرد و در دین اسلام در مورد آن مطالبی آمده است که دارای اهمیت بسیاری است چرا که توسط خداوند برای هدایت بشریت قرار داده شده است که امور فردی و اجتماعی و سعادت دنیوی و اخروی بشریت را به دنبال دارد و نشان

کردند اقدام نمایند. (همان، حکمت ۲۷۴) و در جای دیگر میفرماید: «اعقلوا الخبر اذا سمعتموه عقل ریا به لا عقل روا به فان رواه العلم کثیر و رعا ته القلیل» هرگاه خبری را شنیدید در مورد آن تفکر کنید و تفکر برای عمل به آن نه برای نقل کردن آن زیرا روایت کنندگان دانش بسیارند اما عمل کنندگان به آن اندک هستند. (همان، حکمت ۹۸)

— علم سرچشمه پیشرفت های خانواده و اجتماع

انسان عالم زمانی که خداوند متعال دانش فراگیری علم را به او عطا میکند امسان باید با استفاده از آن علیمی که آموخته است آن را در راه سعادت استفاده کند و با استفاده از آن را به مردم ابلاغ نماید و مردم را هم در همین مسیر به پیشرفت دعوت نماید و به اقتصاد درست در جامعه بکوشد چرا که رعایت احکام الهی باعث می شود تا انسان در مسیر اقتصاد هم عدالت اجتماعی را رعایت بفرمایند خداوند متعال از نادان که دانشش علم را فرا نگرفته است توقعی ندارد در حالی که از دانشمندی که دانش علم را فرا گرفته است توقع دارد که مردم را هم هدایت کنند و در راه سعادت قدم بردارند و به اقتدار و شکوفایی اقتصاد برسند «یا کمیل العلم خیر من المال العلم یحرسک و انت تحرس المال و المال تنقصه النفقه و العلم الیزکو الانفاق و صنیع المال یزوله بزوال» ای کمیل دانش بهتر از مال است زیرا دانش تو را حفظ می کند در حالی که تو باید مال را حفظ کنی مال به خرج کردن کاهش میابد ولی دانش با صرف کردن افزوده می شود و آنکه ساخته مال است با زوال مال از بین می رود. (همان، حکمت ۱۴۷)

— علم سرچشمه عزت و اقتدار در حکومت

خداوند متعال آگاهی و توانایی بر همه چیز را وابسته به احاطه علمی می داند: «ان الله علی کل شی قدیر و ان الله قد احاط بکل شی علیم» (الطلاق، ۱۲) خداوند بر همه چیز تواناست و به احاطه ی علمی آگاه است که این آیه اهمیت علم را میرساند. مقام معظم رهبری با الهام از کتاب شرح نهج البلاغه ابن ابی حدید احاطه علمی را مهم شمرده اند: «باید کشور های اسلامی از لحاظ علم و فناوری پیشرفت کنند گفتم غرب و آمریکا به واسطه علم توانستند بر کشور های دنیا مسلط شوند یکی از ابزار هایشان علم بود ، ثروت را هم با علم به دست آوردند. البته مقداری از ثروت را هم با فریبکاری بدست آوردند اما علم هم موثر بود، باید علم پیدا کرد» (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۸، ج ۲۰، ص ۳۱۹)

—اراده ی علم و تغییر حکومت

خداوند متعال پیشرفت هر جامعه را اراده خود مردم آن جامعه می داند که با فراگیری علم و دانش و حرکت به جهت حفظ اقتدار اقتصاد درست و حق قدم بر میدارند و با اتکا به علم است که به سوی حق و حکومتی درست و عدالتخواه بروند پس هر کسی خودش می تواند با تلاش به پیشرفت و اقتدار جامعه کمک کند و آن را به جهات بالا برساند: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» (الرعد، ۱۱) و خداوند حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد مگر زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند.

نتیجه گیری

نهج‌البلاغه، سخنان فراوانی از امام علی علیه‌السلام درباره‌ی علم و علم‌اندوزی آمده است. از نگاه آن حضرت، علم چراغ راه انسان است؛ چراغی که هر کس از آن بی‌بهره باشد، در مسیر زندگی دچار گمراهی می‌شود. علم نه تنها ابزار شناخت، بلکه وسیله‌ای برای هدایت انسان به سوی کمال و سعادت الهی است.

از منظر امام علی علیه‌السلام، حکومت در نهج‌البلاغه ابزاری برای عبودیت، تحقق عدالت و دستیابی به رضایت الهی است. در این میان، علم و دانش نقشی بنیادین در حفظ اقتدار، سامان‌دهی درست اقتصاد و استقرار عدالت در جامعه دارند. آن حضرت، علم را میراثی گران‌بها و بهترین سرمایه‌ی انسان می‌داند؛ سرمایه‌ای که با به‌کارگیری عقل، فطرت و عمل صالح می‌تواند به شکوفایی جامعه و پیشرفت انسان منجر شود.

حکومت علوی، مصداقی جامع و ماندگار از نظام سیاسی اسلام پس از حکومت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله است. هر نظام سیاسی که خواهان رشد و بالندگی باشد، می‌تواند در اندیشه و سیره‌ی حکومتی امام علی علیه‌السلام الگوی مناسبی بیابد. از دیدگاه نهج‌البلاغه، علم و دانش در سه بُعد فردی، اجتماعی و سیاسی، مایه‌ی عزت و اقتدار حکومت است. انسان با ایمان، یاد مرگ، پرسشگری و تفکر به جایگاه علمی می‌رسد و با عمل به آموخته‌های خود گام‌های مؤثری در زندگی برمی‌دارد. چنین انسانی با بینش و هدف‌مندی، می‌تواند به همراه دیگر دانش‌آموختگان، حکومتی مطلوب و متعالی را بنا نهد.

بر این اساس، بر مسلمانان واجب است که هر یک متناسب با استعداد و توانایی خود در مسیر علم‌آموزی بکوشند و با ایمان به خداوند و انجام اعمال نیک، در جهت پیشرفت فردی و اجتماعی گام بردارند تا به سعادت حقیقی نائل آیند. در دنیای امروز که علم و فناوری محور اقتدار و پویایی ملت‌هاست، این وظیفه دوچندان می‌شود. اسلام از پیروان خود می‌خواهد که همواره در مسیر علم و معرفت حرکت کنند و برای تحقق عدالت اقتصادی و حکومتی حق‌مدار، در هر زمان و شرایطی، از هیچ کوششی دریغ نورزند.

پیشنهادهای کاربردی

۱- تأثیر علم و دانش بر تقوای کارگزاران حومت از منظر نهج‌البلاغه

۲-تأثیر علم و دانش در رضایتمندی مردم از حومت از منظر نهج البلاغه

منابع

- ۱-قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- ۲-ابن ابی الحديد معتزلی، شرح نهج البلاغه ، تهران، ۱۳۸۸ش.
- ۳-ابن بابویه، محمد ابن علی الامالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ش.
- ۴-ابن منظور ، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
- ۵-جعفری تبریزی، محمدتقی، حکمت اصول سیاسی اسلام، تهران، نشر بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۳ش.
- ۶-جوادی آملی، عبدالله، وحدت جوامع در نهج البلاغه، قم، نشر اسرا، ۱۳۹۰ش.
- ۷-دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
- ۸-راغب اصفهانی، حسین ابن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ه.ق.
- ۹-رهبر محمد تقی، درس هاس سیاسی از نهج البلاغه، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۴ش.
- ۱۰-سید رضی، محمد ابن نحسین، نهج البلاغه، تهران، هجرت، ۱۴۱۴ق.
- ۱۱-طبرسی، فضل ابن حسن، مجمع البیان فی التفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
- ۱۲-طوسی، محمد ابن الحسن، الامالی، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
- ۱۳-مجلسی، محمد باقر ابن محمد تقی، بحار الانوار، بیروت، دار احیا التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- ۱۴-مصباح یزدی، محمد تقی ، نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه، قم ، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۱ش.
- ۱۵-مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، تهران، انتشاراتصدرا۱۳۹۴.
- ۱۶-معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، انتشارات زرین، ۱۳۸۷ش.
- ۱۷-سایت اینترنتی پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری

